

دانش بومی و توسعه

(بینش و روش در مطالعه دانش بومی)

تالیف و ترجمه:

رشید احمد رش - حسین دانش مهر



جامعه‌شناسان

سرشناسه: احمددرش، رشید ۱۳۵۴
عنوان و نام پدیدآور: دانش بومی و توسعه
تألیف: رشید احمددرش، حسین دانش مهر

مشخصات نشر: جامعه شناسان
مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۱۱۰-۹

دانشیت فرهنگ نویسی: فیبا
موضوع: کتابنامه: ص ۱۷۲
موضوع: توسعه پایدار، مشارکت شهروندان
موضوع: دانش بومی

شناسه افزوده: دانش مهر حسین ۱۳۶۲
رده بندی دکر: ۳۹۰ / ۳۶ / ۷۹ HC
رده بندی دیویی: ۳۰۸/۹۱۷
شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۳۹۷۵



جامعه شناسان

دانش بومی و توسعه (پیش و روش در مطالعه دانش بومی)
تألیف: رشید احمددرش، حسین دانش مهر

چاپ اول: ۱۳۹۲ تهران/ تعداد: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان/ لینوگرافی: رویداد چاپ: قدیانی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۳-۱۱۰-۹
همه حقوق چاپ نشر برای ناشر محفوظ است.

حروفچینی: نمونه خوانی و صفحه آرایی: جامعه شناسان
ویراستاری: گروه ویراستاری انتشارات جامعه شناسان

فروشگاه و نمایندگی مرکزی:
تهران، خیابان انقلاب، ویرروی درب اصلی
دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، همکف، پلاک ۳۳۳
فروشگاه جامعه شناسان- تلفن: ۶۶۰۰۰۵۶

این اثر، مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب
۱۳۴۸ است. هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف
(ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

WWW.JAMEESHENASAN.COM
Email: Sociologists15@gmail.com

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
فصل اول - مبانی و مفاهیم نظری دانش بومی.....	۱۷
فصل دوم - زمینه‌های کاربرد دانش بومی در توسعه.....	۳۹
فصل سوم - دانش بومی و حقوق مالکیت معنوی.....	۶۵
فصل چهارم - روش شناسی دانش بومی.....	۸۷
فصل پنجم - جمع‌آوری داده‌ها و رهنمودهایی برای تحقیق دانش بومی.....	۱۳۵
فصل ششم - پارادایم‌های توسعه موافق دانش بومی.....	۱۶۱
فصل هفتم - ارزیابی، اعتبار و آزمایش از طریق دانش بومی.....	۱۸۳
ضمیمه ۱: Glossary.....	۲۲۱
ضمیمه ۲: اختصارات.....	۲۲۳
فهرست منابع.....	۲۲۵

فهرست جداول

جدول ۱: مقایسه دانش بومی و دانش علمی (رسمی).....	۳۴
جدول ۲: مقایسه سیستم طبقه‌بندی دانش بومی و دانش علمی.....	۳۵
جدول ۳: مقایسه بین دانش بومی و علمی از جنبه‌های مختلف دانش.....	۳۵
جدول ۴: تمایزات آشکار میان دانش بین‌المللی و دانش بومی.....	۱۳۰

جدول ۵: چارچوبی برای تحقیق دانش‌بومی ۵۲۳

جدول ۶: تکنیک‌های PRA به‌کارگرفته شده در مطالعه اندونزی ۱۷۶

جدول ۷: نمایی کلی از پایداری ۱۹۸

www.ketab.ir

پیشگفتار

«وقتی پیروز دانی می‌میرد، کتابخانه کاملی نابود می‌شود»
(Grenier, 1998)

امروزه توسعه به عنوان یک فرآیند، مهمترین بحث کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه است. تحقق پیشرفت و توسعه کشورها نیز مستلزم بهره‌گیری از استعداد و توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آنها در مراحل مختلف توسعه است. به طوری که توسعه و مشارکت را اموری در هم تنیده دانسته‌اند و فرآیند توسعه را وقتی با ثبات و همراه با موفقیت می‌دانند که با افزایش مشارکت مردم توأم باشد. توسعه در تحلیل نهایی، به معنای تکامل انسانهاست و با مشارکت آنها و برای آنها باید تحقق می‌یابد. در فرایند توسعه انسان هم وسیله و هم هدف است. در نتیجه، تحقق این معنی باید به دست خود انسانها، و با دخالت ایشان انجام گیرد. به علاوه مشارکت مردم ضامن آزادی فردی، عدالت اجتماعی و جلوگیری از سوء استفاده از قدرت در جامعه است.

درمجموع «توسعه» فرآیندی است که به گسترش انتخاب مردم و افزایش فرآیندهای مشارکت دموکراتیک و توانایی مردم برای تأثیرگذاری بر تصمیماتی است که به زندگی آنها مربوط می‌شود.

همچنین فراهم کردن امکان شکوفایی توانمندی‌های مردم و توانا کردن فقرا، زنان و دهقانان برای سازمان‌دهی خود و انجام دادن فعالیت‌های گروهی.

نظریه پردازان و طرفداران توسعه، در اجرای طرح‌های توسعه همواره خواهان «بهره‌برداری حداکثری» بوده‌اند؛ حداکثر بهره‌برداری از منابع طبیعی و مراتع، حداکثر تولید، فروش و سود. تغییرات بنیادی و خطرآفرین در زیست بوم جهان و زندگی در «جامعه ریسک» ایجاد شده است همه در فرایندهای حداکثری طرح‌های توسعه تردید کند. سؤال اساسی این است که دستیابی به این حداکثرها چگونه و به چه قیمتی؟

امروزه در حوزه ادبیات نظری توسعه و تغییرات اجتماعی، بحث توسعه پایدار به عنوان یک پارادایم بزرگ میان رشته‌ای طرح می‌شود. این پارادایم نوین راهمایی را پیش روی بشر نهاده است که در آن محوریت با انسان و نقاط ضعف توسعه‌نیافتگی همانند (زنان، کودکان، آموزش، فقر و...) است. در همین اثنا نیز در اوایل دهه ۱۹۸۰، پارادایم توسعه پایدار روستایی به دنبال مسائلی همانند نقش نهادهای محلی در توسعه روستایی، عدم توجه رهیافت‌های قبلی توسعه روستایی به مسائل زیست محیطی، زنان، کودکان، فقرا و اقلیت‌ها طرح شد. پس از طرح این مفهوم همه کشورها اعم از کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای توسعه نیافته موظف شدند در پروژه‌های خود بحث پایداری را در نظر گیرند.

توسعه پایدار فرایندی تصور می‌شد که طی آن جوامع مختلف از شرایط اولیه عقب ماندگی و توسعه نیافتگی با عبور از مراحل تکاملی کم و بیش یکسان و تحمل دگرگونی‌های کیفی و کمی به جوامع توسعه یافته تبدیل خواهند شد. این تلقی ایدئولوژیک از

توسعه، در پرتو نقدهای متنوع و بسیار در دهه ۱۹۷۰ و به ویژه در سال‌های دهه ۱۹۸۰، به بن بست رسید.

چند دهه از آغاز تلاشهای بین‌المللی برای توسعه گذشته بود، بدون آنکه دگرگونی بنیادی‌ای در زندگی مردم جهان پدید آید. نیونی پژوهشگر معروف آفریقایی نوشت: «نتایج غلط به دست آمده، ریشه در مبانی و مفروضات و سیاستگذاری‌های نادرست دارند» و این نکته‌ای بود که به ویژه در دهه ۱۹۸۰ توجه پژوهشگران بسیاری در آن متمرکز شده بود. برخی از اندیشمندان، فراتر از آن، حتی از شکست پروژه توسعه سخن به میان آوردند.

توسعه روندی بود که به رغم امیدهایی که در دهه‌های گذشته به آن گره خورده بود، جز افزایش فقر و نابرابری ثمری برای کشورهای جهان سوم دربرنداشت. بنابراین، توسعه پایدار درواقع راه حلی بود برای معمای توسعه در شرایط متحول سالیهای پایانی قرن بیستم (Arnold, 2005: 495).

براساس گزارش برانت‌لند (رشد کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه) توسعه پایدار عبارت بود از توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان را تامین کند، بدون آنکه توانایی نسل‌های آتی را دربرآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند و بر این نکته تاکید می‌کند که توسعه پایدار «رابطه متقابل انسانها و طبیعت در سراسر جهان است».

کمیسیون جهانی محیط زیست نیز، توسعه پایدار را این‌گونه تعریف کرد: «توسعه پایدار فرایند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تفسیری

1. Nyoni

2. World Commission on Environment and Development

پژوهشگران دانش بومی پی برده‌اند که که بومیان برخلاف آنچه تصور می‌شد نادان نیستند، اگرچه بسیاری از آنها بی‌سوادند ولی «بی‌سوادی» هرگز با «نادانی» مترادف نیست.

شاید یکی از دلایل اصلی بی‌توجهی به دانش بومی در کشورهای جهان سوم آن است که کشورهای استعمارگر دانش و اطلاعات مردم این کشورها را نادیده گرفته‌اند و همواره از مردم کشورهای استعمار شده به عنوان افرادی سر سخت، خرافاتی، واپس‌گرا و امثال آن یاد کرده‌اند. از طرف دیگر، توجه کشورهای استعمارگر به تولیدات صنعتی و سیاست‌های کشاورزی باعث شده است کشاورزی تک‌محصولی و صنعتی ترویج شود و در پی آن تا حد زیادی دانش بومی کشاورزان درباره محصولات مختلف تحت تأثیر قرار گیرد و کمرنگ شود. همچنین طرح‌های استعماری و برنامه‌های ترویجی وارداتی، بیگانگی از دانش بومی را تشدید کرده است.

اگرچه همه اعضای یک اجتماع روستایی دانش زیست سنتی می‌باشند؛ مسن‌ترها، زن‌ها، مردان و بچه‌ها ولی کمیت و کیفیت دانش بومی که افراد از آن برخوردارند متفاوت است.

سن، تحصیلات، جنس، پایگاه، اقتصادی و اجتماعی، تجارب روزانه، تاثیرات خارجی، نقش‌ها و وظایف در خانه و اجتماع، شغل، زمان در دسترس، توانمندی و استعداد فکری، مهارت‌های مشاهده و میزان کنجکاوی افراد، توانایی مسافرت و میزان استقلال افراد و میزان کنترل بر منابع طبیعی، برخی از عوامل مؤثر در این زمینه هستند.

دانش بومی (Ik) در اذهان و فعالیت‌های افراد ذخیره و از طریق داستان‌ها، سرودها، ادبیات شفاهی (فولکلور)، ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، ارزش‌های فرهنگی، باورها، مراسم، قوانین اجتماعی، زبان و طبقه‌بندی‌های محلی، کارهای کشاورزی، ابزار و اثاثیه، مواد،

گونه‌های گیاهی و پرورش حیوانات بیان می‌شود. دانش بومی به صورت شفاهی و به‌وسیله نمونه‌های خاص و از طریق فرهنگ به دیگران انتقال داده می‌شود. اشکال بومی ارتباطات و سازمان اجتماعی برای فرآیند تصمیم‌گیری محلی و نیز حفظ و نگهداری. توسعه و گسترش دانش بومی، نقشی حیاتی دارند (Grenier, 1998:7).

در اواسط دهه ۱۹۸۰، نگرش جدیدی به نام «اولویت بخشی به کشاورز» طرح شد که تا حد زیادی زمینه توجه به دانش بومی را افزایش داد. این نگرش که بر «شنیدن و یادگرفتن از مردم» تأکید می‌کند، بر مشارکت فعال مردم محلی را در فرایندهای توسعه و تحقیق مورد تأکید قرار می‌دهد. قبل از استفاده از این روش، درک فرهنگ جامعه روستایی به نحوی دیگر بود و چنین تصور می‌شد که مردم روستا از نظر اقتصادی، سیاسی، نوآوری و انتقال آن، خلق دانش و استفاده از آن در جوامع روستایی شکست خورده‌اند. قبل از تبیین دقیق نگرش «اولویت بخشی به کشاورز» تصور بر آن بود که توسعه به مدیریت افراد خارج از نظام روستا نیاز دارد. اما در این روش به روستاییان، به عنوان کسانی نگریسته می‌شود که هستند حل مشکلات خود را به تنهایی و با تکیه بر دانش و تجربه خود حل کنند.

توسعه روستایی، در عمر یکصد ساله خود همواره با این مشکل روبرو بوده است که روستاییان از پذیرش بسیاری از فناوری‌های نوین سرباز زده و آن‌ها را در فعالیت‌های خود منظور نکردند. تصور رهیافت سنتی توسعه روستایی بر این بوده است که چنانچه دانش، اطلاعات و فناوری‌های نوین به مردم روستایی عرضه شود، آنان این رهاوردهای نو را خواهند پذیرفت و لذا زندگی آنها متحول

خواهد شد و توسعه روستایی تحقق خواهد یافت که اینچنین نیز شده است. امروزه نیز بحث این است که دانش، یعنی دانش بومی متعلق به روستاییان و دانش رسمی متعلق به مجامع علمی و دانشگاهیان، می‌توانند هدف‌های توسعه روستایی را برآورده کنند. به زعم چمبرز این در دانش از نظر قدرت و ضعف مکمل یکدیگرند و از ترکیب این دو می‌توان به توفیق‌هایی دست یافت که هیچکدام به تنهایی واجد آن نیستند (چمبرز، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

بنابراین برای دستیابی به توسعه‌ای همه جانبه و پایدار، باید توجه ویژه‌ای به دانش و اطلاعات چند هزار ساله مردم که می‌توان آن را مادر دانش رسمی دانست، کرد. کتاب حاضر نیز در همین زمینه به نگارش درآمده است و تلاش می‌کند با وارد کردن بحث دانش بومی به ادبیات توسعه، گاهی نو به مطالعات توسعه و توسعه روستایی داشته باشد، امری که در کتاب‌های پیشین توسعه و توسعه روستایی کمتر بدان پرداخته شده است. از فصول این کتاب (۷ فصل)، می‌توان استنباط کرد که این متن متفاوت از دیگر متون است. فصل اول به مبانی و مفاهیم دانش بومی می‌پردازد. فصل دوم به زمینه‌ها و کاربرد دانش بومی اشاره می‌کند، این فصل تحقیق در حوزه دانش بومی را در نیز در برمی‌گیرد، ضمن اینکه به دلایل و اهمیت دانش بومی نیز اشاره می‌کند. فصل سوم، حفاظت از حقوق مالکیت معنوی در عرصه دانش بومی و معاهده‌های بین‌المللی در این زمینه را در برمی‌گیرد. فصل چهارم به روش‌شناسی دانش بومی اختصاص دارد، در این فصل به مواردی همانند رویکردی جهت ارزیابی پیشرفت جهت پایداری و مرا حل تحقیق در دانش بومی، تحقیق جنسیتی، ارزیابی مشارکتی روستایی و دیگر روش‌ها اشاره شده است. فصل پنجم این کتاب، جمع‌آوری داده‌ها در حوزه دانش

بومی را در بر می گیرد و ۲۱ تکنیک‌ها تحقیق در حوزه ارزیابی مشارکت روستایی را توضیح می‌دهد. این تکنیک‌ها و روش‌شناسی در فصل سوم، بهترین راهنما برای محققان و کارگزاران توسعه است که در جوامع روستایی و محلی تحقیقات واقع گرایانه‌ای در ارتباط با دانش بومی انجام دهند.

فصل ششم چهار مطالعه موردی (اندونزی، اکوادور، اتیوپی و ونزوئلا)، آورده شده است که چارچوب‌های تحقیق، اهداف و تکنیک‌ها را معرفی می‌کنند. فصل هفتم به ارزیابی، اعتبار و آزمایش از طریق دانش بومی می‌پردازد و شاخص‌ها و معیارهای پایداری را در این زمینه به بحث می‌دهد. در این فصل همچنین رهنمودهایی ساده درباره دانش بومی آورده شده است.

امید است کتاب حاضر، مفید و پرمحتوا برای دانشجویان رشته‌های جامعه‌شناسی، توسعه، مردم‌شناسی، برنامه‌ریزی، کشاورزی و همه عزیزانی که به مباحث مربوط به توسعه و دانش بومی علاقه‌مندند، باشد. بر خود لازم می‌دانیم هرگونه انتقاد و پیشنهاد مخاطبان محترم را با آغوش باز بپذیرا باشیم و در کارهای بعدی از مساعدت و حسن نظر شما عزیزان استفاده کنیم. این کار حاصل زحمات و تشویق‌های مجموعه‌ای از اساتید و دوستانی است که در اینجا مجاللی برای پرداختن به اسامی تک‌تک عزیزان نیست. از اساتید گروه جامعه‌شناسی توسعه روستایی دانشگاه تهران و نیز جناب آقای دکتر جلال‌الدین رفیع‌فر که باب جدیدی (مجموعه به دانش بومی) را در مطالعات توسعه روستایی گشودند، بی‌نیاز نیست سپاسگزاریم. از سرکار خانم سروه فتاحی به‌خاطر بازخوانی متن و ویرایش کامل آن و نیز از مدیر و دست‌اندرکاران محترم انتشارات جامعه‌شناسان که با دقت و باریک‌بینی خاصی محتوا و ساختار کتاب

را بررسی کردند و مسئولیت انتشار این کتاب را برعهده گرفتند،
نهایت تشکر و قدردانی را داریم.

احمدرش - دانش مهر
آذر ۱۳۸۹

www.ketab.ir